

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: بهمن شفیق

۲۳ جولای ۲۰۲۲

## با گامهایی بلند در راه تحقق کامل دموکراسی: تغییر قانون کار در اوکراین

در صدمین سالگرد تشکیل شوروی و در زمانی که کمونیسم زدانی در اوکراین – و نه فقط در اوکراین – به اوج خود رسیده است، حمله همه جانبه به سطح معیشت طبقه کارگر در دستور کار قرار گرفته است. اوکراین از ۳۰ سال قبل توسط دار و دسته های چپاولگری حکومت می شود که در خدمت مراکز مالی و نظامی اربابان غربی از هیچ جنایتی علیه مردم اوکراین فروگذاری نکرده اند. از هشت سال پیش در تحولی تعیین کننده رژیم الیگارشیک اوکراین به یک رژیم لیبرال-فاشیست ارتقاء یافت که آنتی کمونیسم در کنار روس ستیزی اساس هویت ایدئولوژیک آن را تشکیل می دهد. با تمام این ها تغییر قانون کار امروز و با سوءاستفاده از وضعیت جنگی به میان کشیده شده است.

"یک کارگر باید بتواند مناسباتش با یک کارفرما را خودش تنظیم کند. بدون دخالت دولت. این آن چیزی است که در یک دولت آزاد، اروپائی و بازار محور واقع می شود. در غیر این صورت کشور ما با یک پا در قطار سریع السیر اتحادیه اروپا حرکت خواهد کرد و با پای دیگر در قطاری از دوران شوروی که در جهت مخالف حرکت می کند." این اظهارات دانیلو همانتسف رئیس کمیسیون مالی پارلمان اروپا در ۹ جولای است. وی این اظهارات را بر متن تلاشهای پارلمان اوکراین برای تغییر قانون کار این کشور به عمل آورد. تغییراتی که به زعم آقای همانتسف «پیش نویس هائی هستند که بیزنس در انتظار آن است. تغییراتی که منافع تمام کار آفرینان را تأمین می کند. و البته همچنین کارگران را.»

به طور مشخص دو تغییر در قانون کار به عمل خواهد آمد. نخست انعقاد «قراردادهای صفر ساعته» قانونی خواهد شد و دوم ۷۰ درصد کارگران بنگاههای کوچک و متوسط از شمول قانون کار خارج خواهند شد. این خروج از شمول نیروی کار به این معنا خواهد بود که هر کارگری خود توافق منفردی را با کارفرما امضاء می کند. نه تنها قانون کار، بلکه همچنین اتحادیه های کارگری نیز نقشی در این رابطه ایفاء نخواهند کرد.

اما قانونی شدن «قراردادهای صفر ساعته» به چه معناست؟ بر اساس طرح قانون مزبور انعقاد چنین قراردادهائی بین کارگر و کارفرما آزاد خواهد شد. بدان معنا که پس از عقد چنین قرار دادی کارگر البته دارای یک قرار داد کاری است اما کارفرما هیچ گونه تعهدی برای حداقلی از ساعات کار در ماه قبول نمی کند و عملاً می تواند کارگر را فقط موقعی به کار فرا بخواند که برای وی کاری داشته باشد. روشن است که کارگر در چنین مواقعی باید تعهد خود در قرارداد را اجراء کند. یعنی اگر کارگر در ساعات غیر اشتغال خود به شغل دومی روی بیاورد، هر لحظه که کارفرما اراده کند

باید این فعالیت دوم را کنار گذاشته و وقت خود را در اختیار کارفرمای قرارداد صفر ساعته قرار دهد. به عبارتی دیگر، چنین کارگری عملاً در موقعیتی بدتر از کارگر آزاد قرار می‌گیرد که لااقل از حق انتخابی صوری برای این که ساعات کاری اش را در اختیار چه کسی بگذارد برخوردار است.

تأثیر تغییرات نامبرده بر زندگی توده طبقه کارگر باید کاملاً روشن باشد و نیازی به توضیح ندارد. فقط این لازم است ذکر شود که جنگ با روسیه فرصت مناسبی بود تا این تعرض به سطح زندگی کارگران در دستور کار عملی قرار بگیرد. تعرضی که بنا بر اظهارات خانم ناتالیا لومونوسوا از اتاق فکر سدوس از مدتها قبل در دست تدارک بود و جنگ اکنون بهانه مناسب را در اختیار حزب «خدمتگزار مردم» زلنسکی قرار داده است تا آن را عملی کند. این حزب از مدتها قبل مبارزه با «مقررات افراسی» را هدف قرار داده بود که «در تضاد با قوانین خود تنظیمی بازار و مدیریت مدرن نیروی انسانی» قرار دارند.

این نکته را هم قبل از ورود به بحث درباره برخی جوانب ماجرا بیان کنیم که اتحادیه های اوکراین قصد دارند طی نامه‌ای به پرزیدنت محبوب زلنسکی از او تقاضای وتوی قانون مربوط به خروج کارگاهها از شمول قانون کار را بکنند. این تقاضا طرح قانون «قراردادهای صفر ساعته» را در بر نمی‌گیرد. از قرار اتحادیه های اوکراین قانون مزبور را پیشاپیش پذیرفته اند.

و البته همه این‌ها چیزهایی تازه نیستند. اقداماتی اند که با تفاوتی در شکل و شمایل در تمام کشورهای به اجراء در آمدند که در سه دهه اخیر وارد عرصه مسابقه برای پیوستن به قافله تمدن درخشان بازار آزادی شدند و ایران اسلامی هم با قراردادهای سفید امضاء و خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار نمونه کاملاً آشنای آن را در مقابل چشمان ما قرار داده است. با این حال در ماجرای تغییر قانون کار اوکراین وجوهی بسیار قابل توجه نیز هست که پرداختن به آن‌ها برخی نکات مهمتر را آشکار می‌کند.

در عنوان یادداشت حاضر نوشتیم «با گامهایی بلند در راه تحقق کامل دموکراسی». آیا این عنوان غیر واقعی نیست؟ آیا حقیقتاً حق مطلب را ادا می‌کند؟ چرا اوکراین با گامهایی بلند در راه تحقق کامل دموکراسی است؟ از قانون «قراردادهای صفر ساعته» شروع کنیم.

در این که کار به دستان حزب خدمتگزاران مردم زلنسکی از خلاقتهای چشمگیری برخوردارند تردیدی نباید باشد. مجموعه اخبار و روایتیهای تخیلی منبعث از آنان در جریان جنگ با روسیه، از خلبان شبح کی یف که دهها هواپیمای جنگی روسیه را یک تنه ساقط کرد تا انواع ابتکارات در به کارگیری غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی، همه و همه از خلاقتهای این لیبرال-فاشیستها حکایت می‌کنند. اما این قانون «قراردادهای صفر ساعته» را از کجا گرفتند؟ کمی تحقیق نشان می‌دهد که در این زمینه نیز قطب نمای اوکراین اساساً همان کشور مهد دموکراسی است که ابتکار عمل راندن اوکراین به جنگ با روسیه را نیز در دست داشت: بریتانیای کبیر!!

به ویکی پدیای سیا ساخته رجوع می‌کنیم و می‌بینیم که «قراردادهای صفر ساعته» در درجه اول در انگلستان است که به کار گرفته می‌شوند. در سال ۱۹۹۸ با قانون حداقل دستمزد «اصلاحات» لازم در قراردادهای صفر ساعته به عمل آمد به گونه‌ای که در زمانهایی که لازم است کارگر در محل کار حضور داشته باشد دستمزدی معادل حداقل دستمزد باید به وی پرداخت شود. حتی اگر در آن زمان کاری برای انجام دادن وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر تا پیش از ۱۹۹۸ چنین کارگرانی می‌توانستند به محل کار فرا خوانده شوند و در صورتی که کاری برای انجام دادن وجود نداشت ناچار بودند بدون دریافت دستمزد در محل کار حاضر باشند. با قانون ۱۹۹۸ دولت فحیمه لطف کرد و پرداخت دستمزدی معادل حداقل دستمزد در چنین ساعاتی را اجباری کرد. این بماند که در مرحله اجراء چنین قانونی تا چه حد

اجراء می شود. کل روال ماجرا شاهدهی است بر کمال تحقق آزادی بدون عیب و نقص. کارگر و کارفرما هر دو در آزادی کامل چنین قراردادهائی را امضاء می کنند و دولت به عنوان ضامن این آزادی اکنون مانعی بر سر راه سوءاستفاده کارفرما نیز ایجاد کرده بود و وی را وادار کرده بود که دستمزد ساعتهای حضور در محل کار را صرف نظر از این که کاری انجام شده است یا نه، بپردازد.

یک بررسی در سپتمبر سال ۲۰۱۷ تخمین زد که در انگلستان ۹۰۰ هزار نفر (معادل ۲.۹٪ نیروی کار) با قراردادهای صفر ساعته اشتغال به کار دارند که نسبت به سال قبل (۷۴۷ هزار نفر) افزایش قابل توجهی را نشان می داد. هر وقت لازم بود به محل کار فراخوانده می شوند و دستمزد دریافت می کنند و هر وقت لازم نبود می توانند از موهبت بهره برداری از بطلالت برخوردار گردند. این ۹۰۰ هزار نفر با ۱.۸ میلیون قرارداد به کار گرفته شده بودند که نشان دهنده آن است که بسیاری از این افراد بیش از یک قرارداد با کارفرماهای مختلف امضاء کرده بودند. علاوه بر این ۱.۳ میلیون قرار داد دیگر نیز در این سال منعقد شده بود که هیچ ساعت کاری را نشان نمی داد. قطاری سریع السیر تر از این به سمت پیشرفت نمی توان پیدا کرد. رئیس پارلمانی حزب خدمتگزار مردم زلنسکی فقط فراموش کرد بگوید که این قطار اکنون در خارج از اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

نگاهی به کارفرمایان قراردادهای صفر ساعته نیز جالب است. از میان کارفرمایان مختلف در فواصل مختلف اسامی زیر به طور برجسته تری به میان کشیده می شوند:

اسپورت دایرکت، فروشگاه زنجیره ئی که ۹۰٪ کارگران آن قرار داد صفر ساعته دارند.

جی دی واتراسپون، یکی از بزرگترین دارنگان زنجیره ئی از پاب ها ۲۴ هزار کارگر صفر ساعته در استخدام داشت که معادل ۸۰٪ نیروی کار را تشکیل می دادند.

۹۰٪ نیروی کار مک دونالد که ۸۲ هزار نفر را در بر می گیرد.

اسپیریت پاب کمپانی بزرگ دیگری است با ۱۶ هزار کارگر صفر ساعته.

ساب وی، برگر کینگ، دومینو پیتزا، و بوتز انگلستان و نشنال تراست و کورزون و سینه ورلد کمپانی های دیگری اند که وسیعاً از قراردادهای صفر ساعته استفاده می کنند.

و سرانجام این یکی را نیز نباید به هیچ وجه از قلم انداخت. کاخ سلطنتی باکینگهام پالاست نیز ۳۵۰ کارگر قرارداد صفر ساعته را به کار می گیرد.

اوکراین می خواهد در این راه گام بردارد. اما بی انصافی نکنیم. شاید انگلستان الگوی اوکراین نیست. درست این است که علاوه بر انگلستان یکی پدیا از دو کشور کاملاً دمکراتیک دیگر نیز نام می برد: نیوزیلند با قراردادهای صفر ساعت و کانادا با قراردادهای موردی که در واقع همان صفر ساعته است. و هر دو کشور از نمونه های درخشان دمکراسی اند. بر این اساس هیچ تناقضی در این نیست که یک رژیم لیبرال-فاشیست به سرعت به سمت تحقق دمکراسی در حال حرکت باشد.

این یک وجه ماجرای تغییر قانون کار در اوکراین است. اما این ماجرا یک وجه دیگر هم دارد که برای هر کارگری در هر گوشه ای از جهان باید درس آموز باشد. یک بار دیگر عبارات آقای هماننسف را مرور کنیم و آن را بر بستر زمان قرار دهیم:

«یک کارگر باید بتواند مناسباتش با یک کارفرما را خودش تنظیم کند. بدون دخالت دولت. این آن چیزی است که در یک دولت آزاد، اروپائی و بازار محور واقع می شود. در غیر این صورت کشور ما با یک پا در قطار سریع السیر اتحادیه اروپا حرکت خواهد کرد و با پای دیگر در قطاری از دوران شوروی که در جهت مخالف حرکت می کند.»

این اظهارات در سال ۲۰۲۲ بیان می شوند. سال ۲۰۲۲ صدمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است. در صدمین سالگرد تشکیل شوروی و در زمانی که کمونیسم زدائی در اوکراین – و نه فقط در اوکراین – به اوج خود رسیده است، حمله همه جانبه به سطح معیشت طبقه کارگر در دستور کار قرار گرفته است. اوکراین از ۳۰ سال قبل توسط دار و دسته های چپاولگری حکومت می شود که در خدمت مراکز مالی و نظامی اربابان غربی از هیچ جنایتی علیه مردم اوکراین فروگذاری نکرده اند. از هشت سال پیش در تحولی تعیین کننده رژیم الیگارشیک اوکراین به یک رژیم لیبرال-فاشیست ارتقاء یافت که آنتی کمونیسم در کنار روس ستیزی اساس هویت ایدئولوژیک آن را تشکیل می دهد. با تمام این ها تغییر قانون کار امروز و با سوءاستفاده از وضعیت جنگی به میان کشیده شده است. به عبارتی دیگر، در اوکراین قانون کاری وجود داشت که سی سال بعد از مارش پیروزی بازار آزادی های هار هنوز به درجاتی از کارگران حفاظت می کرد. در مقام مقایسه با ایران: نخستین تعرض به کارگران و بیرون راندن کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر در زمان سازندگی و دومین تعرض در دوران اصلاحات انجام گرفت. یعنی در پایان دهه شصت و میانه دهه هفتاد. یعنی در یک بازه زمانی حدوداً ده تا بیست سال پس از انقلاب ۵۷. انقلاب ۵۷ یک انقلاب چپگرایانه بود که به سرعت مصادره شد و مضامین مبتنی بر عدالت طبقاتی در آن توسط طبقه تازه به دوران و به قدرت رسیده در پوشش اسلامی نخست مسخ و سپس کاملاً زیر پا له شدند.

مجاهدتهای کارگران در دهه های منتهی به انقلاب ۵۷ و در جریان آن به دستاوردهائی منجر شدند که تنها توانستند برای مدت کوتاهی پا بر جا بمانند. توازن قوای طبقاتی درون جامعه آشکارا این امکان را به طبقه مسلط می داد که بدون هراس از عواقب تعرض خویش بر سطح معیشت میلیونها کارگر، راه را برای انباشت سرمایه باز کند. و دقیقاً همین توازن قوای درون و یا بهتر بگوئیم نهفته در عمق جامعه بود که به مدت سه دهه تمام مانع تعرض همه جانبه بورژوازی آشکارا ضد کمونیست اوکراین به طبقه کارگر این کشور می شد. تردیدی در این هست که این توازن قوای از کجا نشأت می گرفت؟ اگر تردید هست یک بار دیگر این عبارت را بخوانیم: «...در غیر این صورت کشور ما با یک پا در قطار سریع السیر اتحادیه اروپا حرکت خواهد کرد و با پای دیگر در قطاری از دوران شوروی که در جهت مخالف حرکت می کند.» همین قطار دوران شوروی بود که صد سال تمام توده کار و زحمت اوکراین را زیر چتر حفاظتی خود گرفته بود. قطاری که تا عمق جامعه نفوذ کرده بود و برای از کار انداختن آن دو انقلاب رنگی و هشت سال حکومت فاشیستی لازم بود.

چاره کارگران در دست زدن به اصلاحاتی در درون نظم حاکم نیست. باید قطار را به جهت دیگر راند. این کاری بود که انقلاب اکتوبر کرد و این کاری است که امروز طبقه کارگر باید به انجام آن همت کند.

۳۱ تیر- سرطان- ۱۴۰۱- ۲۲ جولای ۲۰۲۲

<https://consortiumnews.com/2022/07/20/ukraine-uses-russian-invasion-to-wreck-workers-rights/>

[https://en.wikipedia.org/wiki/Zero-hour\\_contract](https://en.wikipedia.org/wiki/Zero-hour_contract)